

Analyzing the Textuality of Surah Al-Muddaththir in Refuting Richard Bell's Theory

Másome Ghanbarpoor^{a*}, Cobra Rastgoo^b

^a Assistant Professor of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Khoi Quranic Sciences, University of Holy Quran Sciences and Education, Khoi Iran

^b Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Faculty of Mashhad Quranic Sciences, University of Holy Quran Sciences and Education, Mashhad, Iran

KEYWORDS

Textuality,
Richard Bell,
Surah Al-Muddassir

Received: 04 September 2022;
Accepted: 13 November 2022

Article type: Research Paper

ABSTRACT

Throughout history, the incoherence of the Qur'anic surahs and its sometimes fragmented structure has always provided room for doubt. Surah Al-Muddaththir is one of the surahs that, from Richard Bell's point of view, is considered as lacking coherence. He has stated the difference in style, length, and the lack of relevance of ayah 31 and the violation of man's free will in ayah 56 of this surah as proof of his claim. Therefore, this article aims to extract the factors of textuality and continuity of this surah in the light of textuality theory, using the descriptive-analytical method. The analysis of the data indicates that the text of the Holy Qur'an has numerous and diverse linguistic and textual features and its textual sequence is not related to the length, rhythm, rhyme and place of revelation of the ayahs. Also, by examining the linguistic possibilities of intertextuality, intention/purposefulness and coherence as three criteria in the textuality of the text, it was determined that Surah Al-Muddaththir is a coherent and continuous text despite its discrete appearance. Two factors of the intertextuality of ayahs in ayah 31 of this surah justify the use of a long ayah among short ayahs through the semantic relationship with the words and phrases "companions of the fire", "iddah" and "junud". Moreover, the significant frequency of connective (additional), grammatical (reference), lexical (repetition, contrast, symmetry) factors in this surah indicates the continuity and coherence of this surah and its ayahs.

* Corresponding author.

E-mail address: ghanbarpour@quran.ac.ir

2022 Published by Arak University Press. All rights reserved.





بررسی متنیت سوره مدثر در رد نظریه ریچارد بل

معصومه قنبرپور^{الف*}، کبری راستگو^ب

^{الف} استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم قرآنی خوی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، خوی، ایران
^ب استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم قرآنی مشهد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، مشهد، ایران

چکیده	واژگان کلیدی
در طول تاریخ موضوع عدم انسجام سوره‌های قرآن و روستاها بعضاً گسسته آن، همواره مجالی برای شبهه‌پراکنی فراهم می‌کرده است. سوره مدثر از جمله سوره‌هایی است که از نگرانه ریچارد بل سوره‌ای فاقد انسجام به‌شمار می‌آید. وی تفاوت سبک، طول و عدم ارتباط موضوعی آیه ۳۱ و نقض اختیار انسان در آیه ۵۶ این سوره را شاهد مدعای خود بیان نموده است. براین اساس بازخوانی متنیت و انسجام سوره مذکور در راستای دفع ادعای بل امری اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. بدین تصور نوشتار حاضر بر آن است تا در پرتو نظریه متنیت، ضمن روش توصیفی-تحلیلی عوامل متن‌بودگی و پیوستگی این سوره را استخراج نماید. تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که متن قرآن کریم از ویژگی‌های متعدد و متنوع زبانی و متنی برخوردار است و توالی متنی آن به طول و ریتم و سجع و محل نزول آیات ارتباطی ندارد. همچنین با بررسی امکانات زبانی بینامتنیت، نیت/هدفمندی و انسجام به‌عنوان سه معیار در متن‌بودگی متن، مشخص گردید سوره مدثر علی‌رغم ظاهر گسسته آن، متنی منسجم و پیوسته است. دو عامل بینامتنیت آیه‌ای در آیه ۳۱ این سوره به‌واسطه رابطه معنایی با واژگان «أصحاب النار»، «عدّة» و «جنود» و هدفمندی کاربست آیه‌ای بلند و طولانی در میان آیات کوتاه را موجه می‌دانند. همچنان‌که بسامد قابل توجه عوامل انسجام پیوندی (اضافی)، دستوری (ارجاع)، واژگانی (تکرار، تضاد، مراعات نظیر) در این سوره حاکی از پیوستگی و انسجام این سوره و آیات آن دارد.	متنیت، ریچارد بل، سوره مدثر تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۲ مقاله علمی پژوهشی

۱. مقدمه

موضوع انسجام و پیوستگی آیات و سوره قرآن کریم، یکی از موضوعات محل مناقشه از دیرباز تاکنون به‌شمار می‌آید. این اندیشه از سده‌های نخست عصر اسلامی توجه اندیشمندان و قرآن‌پژوهان را به خود معطوف ساخته بود. باور به این اندیشه را می‌توان در نظریه «نظم و تألیف» عبدالقاهر جرجانی و یا علم «مناسبت آیات و سوره» ابوبکر بقاعی جستجو کرد. نقطه عزیمت دانشمندان علوم قرآنی در بحث مناسبت میان آیات و سوره این بوده است که از حکمت مجاورت هر آیه در کنار آیه‌ای دیگر و هر سوره در کنار سوره‌ای دیگر پرس و جو کنند، همچنان‌که قائلین به نظم و تألیف بر آن بودند که میان کلام الهی و عقل و اندیشه انسانی معبری بگشایند؛ از این‌رو بر این نکته تأکید می‌ورزیدند که زبان محصولی بشری است و کلام الهی مطابق با این قراردادها و شیوه‌های همین زبان نازل شده است (ابوزید، ۱۳۸۷: ۲۶۴).

این در حالی است که در دوران معاصر برخی محققان، از معناداری سوره‌های قرآن دفاع کرده‌اند و هر سوره را یک

واحد منسجم و هماهنگ می‌دانند. در این میان شماری از خاورشناسان همچون دی کاپرونا^۱، آنگلیکا نیورث^۲، آنتونی جونز^۳، بیل رایبسون^۴ نیز با آن‌ها هم‌عقیده‌اند (توکلی و مکوند، ۱۳۹۸: ۱۲-۱۶). برخی دیگر نیز با اتخاذ نگاهی تاریخی - انتقادی به قرآن، از آمیختگی موضوعات در یک سوره، تکرار عبارات و اجزاء نامرتب قرآن سخن گفته‌اند و آن را متنی گسسته‌محور می‌دانند که مسلمانان در گذر تاریخ اجزای آن را بدون هیچ ربط و برهان روشنی کنار هم قرار داده‌اند (Goldziher, 1981: 37؛ بلاشر، ۱۳۷۸: ۳۰۱-۳۰۲). اکثر قرآن‌پژوهان اروپایی و آمریکایی از جمله رژی بلاشر^۵، ایگناس گلدزیهر^۶ و تئودور نولدکه^۷ از این نظر پیروی کرده‌اند. آنچه مسلم است اینکه دیدگاه‌های قرآن‌پژوهان اروپایی و آمریکایی مخالف با نظم و پیوستگی متن قرآن از نیمه اول قرن نوزدهم تا اوایل قرن بیستم با آرای ریچارد بل^۸ به اوج خود رسید به طوری که مونتگمری وات^۹، شاگرد بل نیز در آثار خود، سبک قرآن را به ناپیوستگی و آشفتگی متصف ساخت.

در میان سوره‌های قرآن کریم، سوره مدثر یکی از نمونه‌هایی است که بل از نگرگاه تداخل و افزودگی انسجام متنی آن را به چالش کشیده است؛ از نظر وی موضوع آیه ۳۱ سوره مدثر از نظر سبک و طول آیات با سایر آیات این سوره تفاوت دارد که این تفاوت را می‌توان بیانگر وقوع افزودگی پس از وحی اصلی دانست (بل، ۱۳۸۳: ۱۴۷-۱۴۸). بل همچنین معتقد است حکم آیه ۵۵ این سوره نیز با آیه ۵۶ همین سوره نقض شده است. بدین تصور جستار حاضر بر آن است تا با استفاده از دانش زبان‌شناسی و بهره‌گیری از نظریه متنیت در سوره مدثر، موضوع انسجام و پیوستگی این سوره را اثبات کند و شبهات ریچارد بل را در این باره مخدوش سازد و پاسخی شایسته برای سوالات ذیل اقامه کند:

کدام یک از عوامل متنیت در سوره مدثر قابل بررسی است؟

ادعای ریچارد بل مبنی بر ناراستی طول آیه ۳۱ سوره مدثر با کدام یک از عوامل متنیت قابل رد است؟

با تکیه بر کدام یک از عوامل متنیت می‌توان شبهه بل درباره نقض پیام آیه ۵۵ با آیه ۵۶ را مخدوش ساخت؟

۲. پیشینه تحقیق

سرشت هر تحقیق آن‌چنان با اطلاعات و منابع دانش در هم آمیخته است که بدون توجه به اطلاعات موجود و رفتار اطلاع‌یابی مؤثر، نمی‌توان اطلاعات جدید و به اصطلاح دانش نو تولید کرد. بر اساس کنکاش در تحقیقات دانشگاهی، به دست آمد که پایان‌نامه‌ها و مقالات متعددی پیرامون سوره مدثر به قلم درآمده‌اند که ذیلاً به برخی از این آثار اشاره می‌شود:

- پایان‌نامه «بررسی معناشناختی سوره مزمل و مدثر» (۱۳۹۵) از خدیجه صفری؛ در این پژوهش معنا و تغییر معنای برخی واژگان دو سوره مزمل و مدثر با استفاده از روش معناشناسی همزمانی و در زمانی بررسی شده است.

¹ Pierre crapon de carprona

² Angelika Neuwirth

³ Anthony Jons

⁴ Neal Robinson

⁵ Régis Blachère

⁶ Ignác Goldziher

⁷ Theodor Nöldeke

⁸ Richard Bell

⁹ William Montgomery Watt

همچنان که بخشی از این پایان‌نامه به بررسی استعاره‌های مفهومی و همچنین مفاهیم مشترک میان این دو سوره تخصیص یافته است.

- «دلالت‌های آوایی سوره مزمل و مدثر» (۱۳۹۵) نگاشته لیلا موسوی؛ این پژوهش با بررسی آواها و صفات اصلی و فرعی آن‌ها نشان داده است که آواهای هر یک از دو سوره مذکور در جای خود و متناسب با موقعیت خود استعمال شده‌اند. همچنان که استفاده گسترده از تکنیک تکرار در سطح حروف، واژگان و موسیقی حروف و واژگان، حتی گاهی تکرار جملات، همگی در خدمت اهداف تربیتی و دینی این سوره‌ها از جمله دعوت به قیام برای عبادت و انذار خلق و مفاهیمی همچون توحید، طهارت، دوری از پلیدی، صبر، نماز، زکات و... بوده‌اند.

- مقاله «کاربست نظریه زوج‌سوره‌ها در فهم دو سوره مزمل و مدثر» (۱۳۹۷) نوشته احمد زارع زردینی و میثم خلیلی؛ این مقاله با استفاده از نظریه نظام زوجی سوره‌های قرآن توانسته است ارتباطات گوناگون بین این دو سوره را استخراج نماید. از جمله اینکه در سوره مزمل مقدمات نظریه انذار بیان شده است در حالیکه در سوره مدثر فرمان عملی انذار بیان گردید.

- «سبک‌شناسی سوره مدثر» (۱۳۹۹) کاری مشترک از فهیمی تبار و سیدمحمد موسوی و دیناروند و قپانی؛ این پژوهش با استفاده از معیارهای سبک‌شناسی جدید سوره مدثر را در چهار سطح آوایی، واژگانی، نحوی و بلاغی مورد مطالعه قرار داده است.

همان‌گونه که در پژوهش‌های فوق مشهود است، سوره مدثر در هریک از مطالعات فوق‌الذکر، از جنبه خاصی مورد بررسی قرار گرفته، اما تاکنون پژوهشی درباره بررسی انسجام و پیوستگی در این سوره و رد شبهات ریچارد بل نوشته نشده است. از این‌رو پژوهش حاضر را می‌توان نقطه آغازی برای بازخوانی اندیشه انسجام و پیوستگی در این سوره و پاسخگویی به ادعاهای بل دانست.

۳. چارچوب نظری تحقیق

۱.۳. نظریه ریچارد بل

ریچارد بل (۱۸۸۶-۱۹۵۲م) از اهالی اسکاتلند و استادیار دانشگاه ادینبرو یا ادینبرگ است که آثار متعددی از وی پیرامون قرآن کریم و پیامبر اکرم(ص) برجای مانده است (قنبرپور، راد، کاوند، ۱۴۰۰: ۲۴۵). وی در نظریه‌ای جنجال‌برانگیز نظم و ترتیب قرآن را دستخوش این واقعیت می‌داند که عباراتی پشت عبارات دیگر نوشته شده است که بعضی از جنبه‌های نظم و توالی کنونی قرآن را به‌بار آورده (بل، ۱۳۸۳: ۱۶۱). همچنین شواهد متعددی را با عنوان افزودگی در عبارات قرآنی بیان می‌کند که به زعم او این اضافات توسط کاتبان وحی صورت پذیرفته است و مآلاً گسست موضوعی آیات یک سوره، اختلاف فواصل، بافت و آهنگ و عدم ارتباط دستوری میان آیات قرآن را سبب گردید.

بل در کتاب مشهور خود «درآمدی بر تاریخ قرآن» می‌نویسد: «چنین به نظر می‌رسد که گاه، بخشی از عبارات قرآنی که دارای یک نوع هم‌نوایی است، به سوره‌ای دیگر که هم‌نوایی دیگری دارد، افزوده شده است و برای این کار، عباراتی به‌صورت افزوده‌ای ظاهر گشته‌اند که با بخش دوم هم‌نوایی دارد» (بل، ۱۳۸۳: ۱۴۲-۱۴۹). به بیان دیگر، بل معتقد است کاتبان وحی آیات قرآن را بر روی تکه‌کاغذها می‌نگاشتند و به تدریج آیات دیگری را به آن‌ها الصاق می‌کردند و

زمانی که برآن شدند قرآن را به صورت کتابی منسجم درآورند، تکه کاغذها را بی وقفه خوانده اند و آنگاه نسخه برداری کرده اند و پس از نسخه برداری تکه کاغذها را در کنار یکدیگر قرار داده اند تا صفحات قرآن را تدوین کنند (عبدالرؤف، ۱۳۹۰: ۸۷).

رویگرد بل درباره ناپیوستگی قرآن، رویکردی موضوع محور بوده است و گسستگی متن قرآن را از ویژگی های واقعی سبک قرآن می داند. از نظر او عدم ارتباط میان موضوعات گوناگون مطرح شده در یک سوره به دلیل مداخله انسانی در تغییر مکان آیات و تبدیل ساختار اولیه بلاغی آیات است (بل، ۱۳۸۳: ۱۴۹؛ قنبرپور و راد، ۱۴۰۰: ۲۴۴). نظر به اینکه بل توزیع موضوعات در سوره ها را سامان مند نمی دانست، به تغییرات گوناگون محتوایی و دشواری فهم پیوند میان موضوعات تمسک جست و به بازسازی چینش آیات بر اساس سیر تاریخی نزول اقدام نمود زیرا معتقد بود چینش تاریخی قرآن سبب فهم بهتر آیات می شود (توکلی و مکوند، ۱۳۹۸: ۹-۱۰).

ریچارد بل نظریه خویش را با تفصیل تمام در مورد کل قرآن و از جمله سوره مدثر ادعا کرده است. وی درباره این سوره اجمالا می نویسد: در آیه ۵۶ سوره مدثر می توان به محدودیتی از اختیار بشر برخورد که در واقع قولی را که در آیه ۵۵ بیان شده است، نقض می کند. این نکته با طرح نظریه قضا و قدر که در ایام هجرت در مدینه رخ داده است، مطابقت دارد (بل، ۱۳۸۳: ۱۴۸). همچنان که وجود برخی افزودگی ها سبب تفاوت طول آیه ۳۱ این سوره با دیگر آیات آن شده است.

۲.۳. نظریه متنیت^{۱۰}

از نظر هلیدی و حسن، متن به کلام ضبط شده از یک رویداد ارتباطی اطلاق می شود و آنچه متن را از غیر متن متمایز می سازد، وجود ویژگی های متنی یا متنیت است (آقاگل زاده، ۱۳۹۲: ۱۶۰).

در حقیقت مفهوم متنیت یا متن بودگی، یکی از مفاهیم مهم دانش زبان شناسی و نقد ادبی به شمار می آید که بر ویژگی هایی دلالت دارد که متنی را به متن تبدیل می کند (شعله، ۱۳۹۰: ۲۱). این ویژگی ها و موجبات چیزی جز روابط انسجامی نیست. از نگرگاه زبان شناسان دو عامل مهم پیوستگی/انسجام برونی ۱۱ یا همان ارتباطات درون زبانی و پیوندهای موجود در متن، و همبستگی/انسجام درونی ۱۲ که همان عوامل برون زبانی و مربوط به بافت گفتمان ۱۳ است، در درک متون و متنیت آن ها نقش بسزایی ایفا می کنند (لاینز، ۱۳۹۱: ۳۷۸؛ عزتی لارسری و عاشقی، ۱۳۹۷: ۱۰۸).

حسب ادعای هلیدی و حسن، وجود هفت ویژگی در تحقق متنیت یک متن الزامی است؛ این هفت ویژگی عبارتند از: پیوستگی، انسجام، بینامتنیت، نیت یا هدفمندی، قبولی یا پذیرفتگی، پیام رسانی و موقعیت مداری. در این میان دو عامل همبستگی و پیوستگی از اهمیت بیشتری برخوردار است. به اعتقاد هلیدی و حسن حضور ابزارهای انسجامی از قبیل ابزارهای دستوری مانند (ارجاع، جایگزینی، حذف)، واژگانی مانند (هم آبی و تکرار) و پیوندی (اضافی، تقابلی، سببی، زمانی و مکانی) سبب پیدایش یک متن می شود (صفوی، ۱۳۸۲: ۱۸۸؛ آقاگل زاده، ۱۳۹۲: ش: ۱۶۰). نظر به

¹⁰ Texture

¹¹ Cohesion

¹² Coherence

¹³ Discourse

اینکه انسجام برونی و درونی دو شرط ضروری برای متن بودن متن اند، پنج عامل بعدی، در واقع به نوعی پس از این دو عامل به عنوان معیارهای متن بودگی مورد بررسی قرار می گیرند.

۴. بخش تطبیقی تحقیق

۱.۴. سیمای کلی سوره مدثر

سوره مدثر چهارمین سوره منزل بر پیامبر اسلام (ص) است که در مصحف کنونی در جایگاه هفتاد و چهارمین سوره قرآن قرار دارد. از نظر علامه طباطبایی (ره) سه دسته از روایات درباره زمان نزول سوره مدثر بیان شده است: برخی این سوره را اولین سوره قرآن می دانند، برخی معتقدند این سوره بعد از سوره علق نازل شده است و برخی نیز می گویند سوره مزمل و مدثر با هم نازل شده اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۱۲۳). طبق برخی از روایات این سوره بعد از آشکار شدن دعوت عمومی پیامبر (ص) نازل شده است (سید قطب، ۱۴۲۵، ج ۶: ۳۷۵۱). نیز طبق روایت طبرانی این سوره درباره ولید بن مغیره نازل شده است که قریش را به مهمانی دعوت کرد و آن‌ها را از پیروی حضرت رسول (ص) بر حذر داشت و همگی تصمیم گرفتند قرآن را «سحر» بنامند. چون این خبر به گوش پیامبر (ص) رسید، ایشان ناراحت شدند و خود را پوشاندند. بعد از این اتفاق، سوره مدثر نازل شد (همان، ۳۷۵۲).

اکثر مفسران روایت ابوسلمه بن عبد الرحمن از جابر را درباره شأن نزول این سوره نقل کرده اند به این شرح که «این سوره بعد از فترت وحی بر پیامبر (ص) نازل شده است؛ زمانی که ایشان فرشته‌ای را ما بین آسمان و زمین دید و از ترس آن به پیش حضرت خدیجه (س) رفت و از وی خواست تا او را بپوشاند. حضرت خدیجه آن جناب را با جامه‌ای پوشاند. در این هنگام آیات اولیه سوره مدثر بر آن حضرت نازل شد» (صنعانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ۲۶۲؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۹، ۹۰؛ سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۳، ۵۱۴؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۸، ۲۷۱).

محتوای سوره مدثر نشان می دهد که با پیروی از قرآن، انسان‌ها از خواری اعمال خود آزاد می شوند و از سقوط در جهنم فاصله می گیرند و متقابلاً اعراض از قرآن علت اصلی سقوط ایشان در جهنم است. خداوند از یک سو پیامبر (ص) را برای قیام منذرانه به وسیله قرآن، آماده کرده است و از سوی دیگر کافرانی را که با این اندازهای قرآنی پیامبر (ص) درصدد مقابله برمی آیند، به عذابی سخت تهدید کرده است و در انتها جهنمی شدن آن‌ها و عذاب‌های سخت جهنم را همین اعراض از قرآن و مقابله با آن دانسته است.

همچنین محتوای سوره مدثر به تفکیک آیات مشتمل بر موارد زیر است:

الف) آیات ۱-۱۰ امر به پیامبر (ص) مبنی بر آمادگی برای قیام به انداز قیامت سخت؛ آیات ۱ تا ۷ امر به پیامبر (ص) برای قیام منذرانه؛ آیات ۸-۱۰ انداز به روز قیامت.

ب) آیات ۱۱-۳۷ مقابله سخت الهی با کافران معاند قرآن؛ آیات ۱۱-۱۷ تهدید کافران به عذاب سخت به دلیل عناد با آیات الهی؛ آیات ۱۸-۳۰ افشای چگونگی توطئه علیه قرآن؛ آیات ۳۲-۳۷ اندازدهندگی قرآن.

ج) آیات ۳۸-۵۶ اعراض از قرآن علت اصلی سقوط به سقر؛ آیات ۳۸-۴۸ تکذیب پیام قرآن بهترین دلیل جهنمی شدن؛ آیات ۴۹-۵۶ اعراض از قرآن دلیل نهراسیدن از عذاب آخرت (الهی زاده، ۱۳۹۵: ۷۸-۹۶).

۲.۴. بررسی ادعاهای بل ورد آن‌ها

۱.۲.۴. شبهه ناراستی طول آیه

یکی از شبهات ریچارد بل درباره عدم انسجام و پیوستگی سوره مدثر آن است که وی طول آیه ۳۱ این سوره را

متفاوت از آیات قبل و بعد می‌داند. به بیان دیگر او اعتقاد دارد قافیه و طول آیات، تکنیک اصلی زبانی ایجاد یکدستی آیات قرآنی است و هر جا عکس این مساله اتفاق افتد، حکم به گسست و ناپیوستگی متن داده می‌شود. از این رو وی آیه ۳۱ سوره مدثر را که برخلاف آیات ماقبل و مابعد ۳-۷ کلمه‌ای خود نزدیک به ۸۰ کلمه دارد، افزوده‌ای می‌داند که کاتبان وحی در زمان تدوین قرآن به متن سوره اضافه کرده‌اند (بل، ۱۳۸۳: ۱۴۸). این در حالی است که شبکه زبانی توالی متنی در گفتمان قرآنی به معیارهای طول آیه، قافیه، تکرار آیات و حتی محل وحی ربطی ندارد (عبدالرؤوف، ۱۳۹۰: ۸۷). بلکه مشابه این امر را می‌توان در کلام بشری نظاره‌گر بود آنجا که شاعر معنای یک بیت را به امتدادش در بیت یا چند بیت بعد موقوف می‌سازد زیرا معنای مراد او، جز در دو یا چند بیت متوالی کامل نمی‌گردد، مانند:

به سهراب گفت: ای یل شیرگیر
کمندا فکن و گرز و شمشیرگیر
دگرگونه‌تر باشد، آیین ما
جز این باشد آرایش دین ما
(فردوسی، ۱۳۸۴: ۱۹۵)

و مثل:

لَوْ كُنْتُ أَسْتَأْثِرُ الدُّنْيَا وَزَهْرَتِهَا
حِزْصًا عَلَى سَعَةِ فِي اللَّبْسِ وَالْأَكْلِ
لَكَانَ يَحْجِرُنِي عَنْ طَعْمِهَا جَشَبٌ
وَمِنْ مَلَابِسِهَا طِمٌّ مِنَ الْجِلَلِ
(حجّت الاسلام، ۱۳۸۶: ۲۵۲)

همانطور که ملاحظه می‌شود در بیت اول «لو» شرطیه آمده است بی آنکه جواب آن در همین بیت تکمیل شود بلکه شاعر جواب «لو» را در ابتدای بیت دوم ذکر می‌کند^{۱۴}.

از سوی دیگر جای دادن صنعت موقوف‌المعانی ذیل آرایه‌های ادبی، خود تاییدی است بر وجه استتیک و جای داشتنش در حدود دانش زیبایی‌شناسی یا فلسفه هنر.

بدین تصور در رد ادعای بل، می‌توان سه ویژگی متن‌ساز بینامتنیت، هدفمندی و انسجام (پیوندی) را در آیه مذکور مورد تحلیل و بررسی قرار داد و حکمت تفاوت طولی این آیه را با بقیه آیات قبل و بعد روشن ساخت.

۱.۱.۲.۴. رد ادعا بر مبنای ویژگی بینامتنیت

اصطلاح بینامتنیت که نخستین بار توسط جولیا کریستوا ۱۴ معرفی گردید، بر این معنا دلالت دارد که هیچ متنی نسبت به متون گذشته خود منفک، بی تفاوت و خنثی نیست بلکه هر متن به متون ماقبل خود واکنش نشان می‌دهد. به بیان دیگر متون گذشته را بازبینی می‌کند، تغییر می‌دهد، اصلاح، تأیید و تأکید می‌نماید و با این شیوه متون آینده را شکل می‌بخشد و سبب می‌شود (آفاگل‌زاده، ۱۳۹۲: ۴۵). براین اساس متنی را می‌توان واجد شرایط متن بودن دانست که به لحاظ صوری و معنایی به متن دیگر مربوط شود (صفوی، ۱۳۸۲: ۱۹۶).

نظریه بینامتنیت در بازنگری متون بر دو محور اصلی تکیه می‌کند: یک محور افقی که ماتن و خواننده را به هم مربوط می‌سازد و دیگری محور عمودی که متن را به متون دیگر پیوند می‌دهد. از این روست که هر متنی معنای خود را از ارتباط و اتصالش با دیگر متون به دست می‌آورد. از این نظر، متن یک موضوع منفرد و مجرد به شمار نمی‌آید بلکه تدوینی از متنیّت فرهنگی است. در نتیجه با برون‌روی از متن مستقل و ورود به شبکه‌ای از مناسبات متنی، «متن» به

¹⁴ Julia Kristeva

«بینامتن» تبدیل می‌شود (شعله، ۱۳۹۰: ۲۳).

بررسی سیاق آیات مذکور نشان می‌دهد که آیات قبل درباره خصوصیات «آتش سقر» و «تعداد نگهبانان آن» نازل شده است (وَ مَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرٌ * لَا تُبْقِي وَ لَا تَذَرُ * لَوْ آحَاةٌ لِلْبَشْرِ * عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشْرٍ) (مدثر: ۲۷-۳۰) و آیه بعدی (وَ مَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَ مَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمُ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ يَزِدَادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَ لَا يَزُتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ لِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ مَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَ مَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشْرِ) (مدثر: ۳۱) اشاره به تعداد نگهبانان سقر را وسیله‌ای برای امتحان، هدایت یا ضلالت مومنان و کافران معرفی می‌کند. طبق نظر مفسران (أَصْحَابَ النَّارِ) همان نگهبانان و ملائکه سقر هستند که از حیث بینامتنی با آیه ۶ سوره تحریم در ارتباط است، چه در این آیه (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْجِبَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ) (تحریم: ۶) نیز به ملائکه بودن موکلان سقر اشاره شده است (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰: ۷۰۹؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۱۳۹). لذا تمام متن آیه تا عبارت (وَ مَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ) درباره موضوع مشارالیه در آیات ماقبل بیان شده است.

از سوی دیگر بینامتنیت آیه‌ای نیز به واسطه رابطه معنایی با واژگان «أَصْحَابَ النَّارِ» و «عِدَّة» و «جُنُود» برقرار می‌شود که در مجاورت با یکدیگر ابهام ناشی از عدم ذکر تمییز در تعبیر «تسعة عشر» را مرتفع می‌سازند. به عبارت دیگر، آیه مورد بحث به تفصیل تمام بیان می‌دارد که اولاً مراد از سقر آتش جهنم است، این معنا را واژه «النَّار» در «أَصْحَابَ النَّارِ» افاده می‌دهد. ثانیاً، جنس این گماشتگان «ملائکه» است که هیچگاه از فرامین الهی عدول نمی‌کنند و دستخوش ترحم و شفقت نمی‌شوند. ثالثاً اشاره به تعدادشان از جهت آگاهی بخشیدن و راستی‌آزمایی کافران و مومنان و بیماردلان بوده است. رابعاً این نوزده ملک نیز گروهی از جنود خداوندند که حق تعالی برای اجرای اوامر خود خلقشان کرده است.

از دیگر سو پایانی آیه (وَ مَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشْرِ) مشتمل بر ضمیر مؤنث «هی» است که از نظر برخی مفسران به «جنود» ارجاع داده می‌شود و از نظر عده‌ای به کلمه «سقر» بازمی‌گردد. برخی نیز آن را به «سوره» احاله می‌دهند و بعضی آن را به جمله «عليها تسعة عشر» برمی‌گردانند؛ یعنی اگر خداوند سبحان خبر داد که خازنان دوزخ نوزده نفرند، برای این بود که مایه تذکرشان شود و از آن انداز گیرند. اما نکته این است که استعمال ضمیری که در تعیین مرجع آن قطعیتی نیست و واژگان متعددی را می‌توان مرجع آن برشمرد، خود موجب توسعه معنایی و ارتباط تنگاتنگ میان کلمات در آیه گشته است، چه ارجاع آن به هریک از واژگان نامبرده باعث اتصال اجزاء متن به یکدیگر می‌گردد. همچنین مطابقت بخش پایانی آیه از حیث سجع و مختوم شدن آن به حرف (راء) مؤید دیگری بر ارتباط این آیه با آیات قبل و بعد خود دارد لذا ادعای بل را مخدوش می‌سازد.

افزون بر این مفسران مرجع «هَاء» ضمیر در (إِنَّهَا لِإِخْدَى الْكَبْرِ) (مدثر: ۳۵) و (نذیراً) در آیه (نَذِيرًا لِلْبَشْرِ) (مدثر: ۳۶) را (النَّار) در آیه (مَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً) (مدثر: ۳۱) می‌دانند (قرطبی، ۱۳۶۴ق، ج ۱۹: ۸۵) که این نیز شاهد دیگری بر ارتباط محتوایی آیه مذکور با آیات بعد آن است.

۲.۱.۲.۴. رد ادعا بر مبنای ویژگی نیت/هدفمندی

توجه به ویژگی نیت یا هدفمندی نیز می‌تواند در رد ادعای بل مبنی بر عدم ارتباط طول آیه ۳۱ با آیات ماقبل و مابعد آن یاری‌رسان باشد.

نیت نتیجه‌علاقه، توقعات و نیاز کاربران زبان و تحلیل شرایط موقعیت است و هدف از آن، هدایت موقعیت! نظر به اینکه نیت تابع نگرش ماتن است، می‌کوشد متنی منسجم و پیوسته تولید کند تا اهداف پدیدآورنده متن را تحقق بخشد (شعله، ۱۳۹۰: ۲۳).

نظر به اینکه خطاب پیامبر (ص) در ابتدای سوره مبنی بر ماموریت ایشان به کنار گذاشتن خواب، انذار مردم و تلاش خستگی‌ناپذیر، از وظیفه انذار ایشان حکایت می‌کند (قُمْ فَأَنْذِرْ* وَ رَبِّكَ فَكَبِّرْ* وَ ثِيَابِكَ فَطَهِّرْ* وَ الرُّجْزَ فَاهْجُرْ* وَ لَا تَمُنُّنْ تَسْتَكْتَبِرْ* وَ لِرَبِّكَ فَاصْبِرْ) (مدثر: ۲-۷) و در آیات بعدی نیز انذار از عذاب منکران روز قیامت و قرآن مورد تاکید قرار گرفته است (فَإِذَا نُفِرَ فِي النَّاقُورِ* فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ* عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ) (مدثر: ۸-۱۰) و (كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عِيدًا* سَأُرْهِقُهُ صَعُودًا) (مدثر: ۱۶-۱۷)، طول آیه ۳۱ این سوره در راستای نیت و هدفمندی (انذار) اتفاق افتاده است؛ به بیان دیگر با توقف بر آیه (عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشْرَ) (مدثر: ۳۰) نیاز مخاطب/خواننده آیه در جهت دفع ابهام موجود در عدد نوزده، بی‌آنکه پاسخ داده شود، به حال خود رها می‌گشت و روند متن‌بودگی به اضمحلال می‌کشید. اما وقتی ویژگی هدفمندی وارد این جریان می‌شود، سبب می‌گردد آیه به‌شکلی طولانی و متفاوت از آیات ماقبل و مابعد خود ظاهر شود زیرا ابهام موجود در عدد نوزده که موجبات آشفتگی و سرگشتگی مخاطبان را فراهم آورده است، عبارتی با طولی بیشتر را می‌طلبد که هم تعجب و دهشت مخاطبان را برطرف سازد و هم محوری‌ترین پیام این سوره یعنی انذار را عملی کند.

۳.۱.۲.۴. رد ادعا بر مبنای ویژگی انسجام

انسجام ۱۵ برای اولین بار در سال ۱۹۷۶م، توسط مایکل هلیدی و رقیه حسن در کتاب "cohesion in English" یا "انسجام در انگلیسی" مطرح گردید. اما در سال ۱۹۸۴ رقیه حسن در مقاله‌ای به نام "ارتباط و انسجام هارمونیک" "Coherence and Cohesive Harmony" نظریه قبلی خود و هلیدی را بسط داد و تکمیل کرد. به عقیده این دو انسجام متنی زمانی برقرار می‌شود که تعبیر عنصری در متن، وابسته به عنصر دیگر باشد یعنی یک عنصر، عنصر دیگر را پیش‌فرض خود قرار دهد به طوری که بدون مراجعه به آن فهمیده نشود. براین اساس عوامل انسجام نیز که به متن، متنیت می‌بخشند، عواملی ساختاری نظیر روابط موجود میان عناصر جمله نیستند، بلکه عواملی معنایی و غیرساختاری اند که همچون هر سازه نظام معنایی در نظام واژی- دستوری تحقق می‌یابند (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۶۳).

برخی نیز انسجام را مجموعه‌ای از ابزارها و امکانات زبان‌شناختی گوناگون اعم از دستوری، واژگانی و معنایی می‌دانند که هر زبانی آن را به‌عنوان قسمتی از فرانشس متنی برای اتصال قسمتی از متن به قسمت دیگر داراست. وجود این امکانات زبانی باعث پیوند جمله‌ها با یکدیگر و اتصال آن‌ها در قالب واحدهای بزرگ‌تری چون بند می‌گردد (هلیدی و حسن، ۱۴۰۰: ۱۲۸؛ آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۹).

در بحث اهمیت انسجام نیز همین بس که از مباحث مهم و کلیدی در تحلیل و شناخت متن به‌شمار می‌رود و به

¹⁵ cohesion

گفته برخی، سبب تمایز متن از غیر متن می‌شود. اگر کلام از عنصر انسجام خالی باشد غیر واضح و مبهم خواهد بود لذا زبان‌شناسان اهمیت انسجام را در این می‌دانند که کلام را مفید و روابط جمله را مشخص می‌سازد و از التباس و درآمیختگی بین عناصر جملات جلوگیری می‌کند و به واسطه رفع تشتت در معانی موجود در متن، باعث ثبات و استحکام متن می‌شود (نظری، ۱۳۸۹: ۶۸).

عوامل انسجام متنی عبارت است از: ۱- ابزارهای انسجام دستوری که عبارتند از: ارجاع، جانمایی و حذف؛ ۲- ابزارهای انسجام واژگانی که عبارتند از: تکرار، باهم‌آیی، مترادف، تضاد معنایی و شمول معنایی (جزء وکل)؛ ۳- ابزارهای انسجام پیوندی که عبارتند از: پیوند تقابلی، سببی، زمانی و مکانی (هلیدی و حسن، ۱۴۰۰: ۱۲۸).
بی‌شک بررسی انواع انسجام پیوندی، دستوری، و واژگانی در سوره مدثر می‌تواند برای اثبات هماهنگی و ارتباط و انسجام عبارات آن مفید واقع شود و در رد ادعای بل مبنی بر ناپیوستگی این سوره یاری‌رسان باشد.

انسجام پیوندی

در انسجام پیوندی بین جملات ارتباط معنایی و منطقی وجود دارد که به چهار دسته ارتباط اضافی (additive)، سببی (causal)، تفاعلی (adversative) و زمانی (temporal) تقسیم می‌شود (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۸۵: ۱۱۴).
در سوره مدثر حرف عطف فاء، حدود ۹ بار و حرف عطف واو، ۲۷ بار تکرار شده است. درباره استعمال حرف «فاء» در آیات (قُمْ فَأَنْذِرْ * وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ * وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ * وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ *... * وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ) (مدثر: ۲-۷) این سوره، اشاره به اقوال ذیل ضروری به نظر می‌رسد.

برخی فاء را در این آیات حرف زاید می‌دانند؛ مانند کاربرد فاء در جمله «زَيْدًا فَاصْبِرْ» یا «عَمْرًا فَاشْكُرْ» که تقدیر آن به صورت «زَيْدًا اصْبِرْ» و «عَمْرًا اشْكُرْ» بوده است. برخی آن را «فاء جزا» می‌دانند که تقدیرش در آیه (۲) «قُمْ فَكَبِّرْ رَبِّكَ» بوده است. برخی نیز آن را به معنای شرط می‌دانند که تقدیرش «أَيُّ شَيْءٍ كَانَ فَلَا تَدْعُ تَكْبِيرَهُ» است (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰: ۶۹۸). برخی نیز فاء در «فَأَنْذِرْ» را فاء تفریع می‌دانند و در آیات دیگر آن را فاء فصیحه برای شرط مقدر می‌خوانند (ابن عاشور، ۱۹۸۴م، ج ۲۹: ۲۷۵).

استعمال حروف عطف جمعا با تعداد ۳۶ مورد می‌تواند یکی از عوامل انسجام متن بیان شود زیرا هر عطف حداقل دو کلمه یا دو جمله را به هم پیوند می‌دهد و در این سوره ۷۲ جمله یا کلمه به وسیله حروف عطف به هم مرتبط هستند. شایان ذکر اینکه ارتباط اضافی از نوع مقایسه‌ای که اغلب با حرف (أو) بیان می‌شود، در سوره مدثر فقط یکبار در آیه (لَمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَّقِدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرْ) (مدثر: ۳۱) آمده است. شاید استعمال کمرنگ این نوع انسجام را بتوان با استفاده از ویژگی هدفمندی متن توجیه کرد.

عامل هدفمندی یا نیت متن، بر ابزارها و امکاناتی دلالت دارد که تولیدکنندگان متن آن‌ها را به کار می‌گیرند تا اهداف خود را در متن دنبال کنند و تحقق بخشند. همانطور که پیشتر گفته شد، کلیدی‌ترین هدف نزول این سوره، انذار و تخویف مخاطبان است. به نظر می‌رسد در موقعیت حساس و خطیر انذار، کاربرد ادات ارتباطی مقایسه‌ای چندان مناسب نداشته باشد. چه در چنین موقعیت‌هایی مخاطب باید با عباراتی قطعی خطاب شود تا براساس قطعیت در کلام، هدف انذار حاصل آید.

نوع دیگر انسجام پیوندی یعنی ارتباط اضافی از نوع تمثیلی نیز دو بار با کلمه «كَذَلِكَ» در آیه (كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ) (مدثر: ۳۱) و تعبیر «كَانَ» در آیه (كَانَ لَهُمْ حُمْرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ) (مدثر: ۵۰) تکرار شده است که در هر دو مورد جملات قبل و بعد را به یکدیگر مرتبط می‌سازد.

ارتباط سببی ۲ بار با حرف (إِنَّ) در آیه (كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا) (مدثر: ۱۶) و آیه (إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ) (مدثر: ۱۸) دیده می‌شود که در این آیات «إِنَّ» بر معنای تعلیل دلالت دارد و جملات قبل و بعد را به یکدیگر مرتبط می‌سازد (درویش، ۱۴۱۵ق، ج ۲۷۸: ۱۰). این نوع ارتباط همچنین ۲ بار با حرف «لام» تعلیلیه در عبارت «لَيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ» و «لَيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» از آیه ۳۱ این سوره سبب اتصال گشته است (علوان، ۱۴۲۷ق، ج ۴: ۲۵۷۶؛ کرباسی، ۱۴۲۲ق، ج ۸: ۴۳۶).

ارتباط تقابلی در این سوره به تعداد ۴ مرتبه در آیات (كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا) (مدثر: ۱۶)، (كَلَّا وَالْقَمَرَ) (مدثر: ۳۲)، (كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ * كَلَّا إِنَّهُ تَدَكَّرَ) (مدثر: ۵۳-۵۴) به چشم می‌خورد. این ارتباط اغلب با حرف «كَلَّا» بیان می‌شود. «كَلَّا» در زبان عربی کلمه ردع است و برای کنار گذاشتن و انکار کردن جمله قبلی به کار می‌رود. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰: ۸۶).

ارتباط زمانی با حرف ربط «ثُمَّ» ۴ بار در سوره مدثر بیان شده است. حرف عطف «ثُمَّ» تعقیب و تاخیر را می‌رساند. از نظر علامه طباطبایی (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۸۷) خداوند در آیات ۲۰-۲۲، حال ولید را با لطیف‌ترین و رساترین تمثیل مجسم می‌کند که بعد از فکر و تقدیر همچون کسی که می‌خواهد درباره امری که از او خواسته شود، نظر دهد (ثُمَّ قَتَلَ كَيْفَ قَدَّرَ * ثُمَّ نَظَرَ) (مدثر: ۲۰-۲۱) چهره خود را درهم کشید و اظهار کراهت کرد (ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ) (مدثر: ۲۱) سپس پشت کرد و تکبر ورزید (ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ) (مدثر: ۲۲).

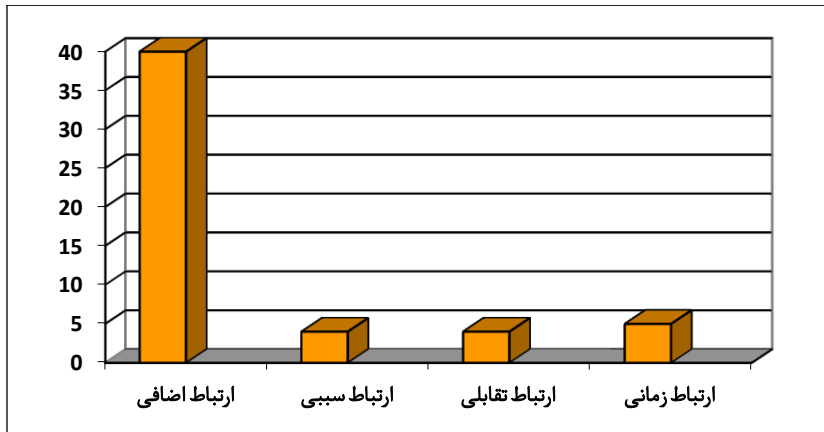
همچنین ارتباط زمانی با حرف (س) یک بار در این سوره در آیه (سَأُصْلِيهِ سَقَرَ) (مدثر: ۲۶) استعمال شده است. در طبق این آیه، زود باشد که انسان به سبب استکبارش از حق در سقر قرار گیرد (طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۶: ۳۸۴).

بررسی تعدد و تنوع عوامل انسجام پیوندی در سوره مدثر نشان می‌دهد انسجام، پیوستگی و توالی متنی در این سوره با کاربری ۳ مورد از عوامل ربطی اعم از (تمثیلی- سببی- عطفی) به دست آمده است لذا مدعی ریچارد بل مبنی بر ناپیوستگی آیات این سوره قابل قبول نیست.

جدول ۱: انسجام پیوندی

ارتباط اضافی	ارتباط سببی	ارتباط تقابلی	ارتباط زمانی
فاء- ۱۱ بار	إِنَّ- ۳ بار	كَلَّا- ۴ بار	ثُمَّ- ۴ بار
واو- ۲۷ بار	لام تعلیل- ۳ بار		س- ۱ بار
أو(مقایسه‌ای)- ۱ بار			
كذلك(تمثیلی)- ۱ بار			
كَانَ(تمثیلی)- ۱ بار			

طبق جدول فوق، در مجموع حدود ۵۴ مورد ارتباط اضافی، سببی، تقابلی و زمانی برای سوره مدثر یافت شد که در مقایسه با تعداد کل آیات این سوره (۵۶ آیه) از بالاترین بسامد برخوردار است.



نمودار ۱: بسامد انسجام پیوندی

انسجام دستوری

در انسجام دستوری سه مولفه ارجاع، حذف، و جایگزینی مورد بحث قرار می‌گیرد که در این بخش از باب تمثیل به دو مؤلفه ارجاع و جایگزینی در سوره مدثر پرداخته می‌شود.

ارجاع

در فرایند ارجاع، درک و تفسیر معنای پاره‌ای از کلمات با رجوع به عناصری دیگر محقق می‌شود؛ یعنی یک کلمه، زمینه فهم کلمه‌ای دیگر را فراهم می‌کند (معین‌الدینی، ۱۳۸۲: ۳۰۶).

ارجاع ممکن است خارجی (بافتی) و یا داخلی (متنی) باشد؛ ارجاع خارجی یا برون‌متنی یعنی مرجع در دنیای خارج متن است که کلام در آن حادث شده است و در ارجاع داخلی یا درون‌متنی، مرجع عنصری است در درون متن. ارجاع درون‌متنی براساس موقعیت مرجع نسبت به عنصر ارجاع به دو نوع ارجاع سابق (پسین) و ارجاع لاحق (پیشین) تقسیم می‌شود؛ ارجاع سابق یعنی ضمیر یا عنصر ارجاعی بعد از مرجع ذکر شود که از شایع‌ترین نوع ارجاع است. ارجاع لاحق یعنی ضمیر یا عنصر ارجاعی قبل از مرجع خود ذکر شود مانند ضمیر شأن و این نوع ارجاع در عربی به صورت محدود وجود دارد (Halliday & Hasan, 1997: 31-84).

بررسی ارجاعات ضمیر در سوره مدثر نشان می‌دهد سه مورد ارجاع برون‌متنی در این سوره وجود دارد که عبارتند

از:

الف: مرجع ضمیر «أنت» در آیات «قُمْ فَأَنْذِرْ * وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ * وَتَبَارَكَ فَطَهَّرْ * وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ * وَلَا تَمُنْ تُسْتَكْبِرْ * وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ» (مدثر: ۲-۷)؛ در این آیات ضمیر «أنت مستتر» در افعال (قم-انذر-کبر-طهر-فاهجر-لا تمن-تستکبر-فاصبر) و نیز ضمیر متصل «ک» در کلمات (ربک-تبارک-لربک) به کلمه «المدثر» برمی‌گردد که اکثر مفسران معتقدند منظور از آن فرد جامه بر خود پوشانده، پیامبر (ص) است (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰: ۶۹۶).

ب: مرجع اسم اشاره «هذا» در آیات «فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلا سِحْرٌ يُؤْتِرْ * إِنَّ هَذَا إِلا قَوْلُ الْبَشَرِ» (مدثر: ۲۴-۲۵)؛ مفسران مشارالیه این دورا «قرآن» می‌دانند (ابن‌عاشور، ۱۹۹۷م، ج ۲۹: ۲۸۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۵۸۶). بی‌شک از حیث بینامتنی نیز نظر مفسرین با آیه: «وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلا سِحْرٌ

مُبِينٌ) (انعام: ۷) و آیه (وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرَضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ) (قمر: ۲) قابل تایید است.

ج: مرجع اسم موصول «من» در آیه (ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا) (مدثر: ۱۱)؛ مفسران منظور از «مَنْ» را ولید بن مغیره می دانند که مرجع ضمیر «ه» در کلمه «له» در (وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا* وَمَهْدَتْ لَهُ تَمْهِيدًا) (مدثر: ۱۲ و ۱۴)، و مرجع ضمیر «هُوَ» مستتر در فعل «یطمع» در آیه (ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ) (مدثر: ۱۵)، و ضمیر «ه» در دو لفظ «إِنَّه» و «سأرهقه» در آیات (كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا* سَأَرْهَقُهُ صُعُودًا) (مدثر: ۱۶-۱۷) است (ابن عاشور، ۱۹۹۷، ج ۲۹: ۲۸۸-۲۸۴).

بررسی سوره مدثر نشان می دهد که بیشتر ارجاعات از نوع درون متنی و ارجاع به ماقبل است، به عنوان مثال درباره مراد از واژه «سقر» در آیات (سَأُضْلِيهِ سَقَرَ* وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرٌ* لَا تُتَّبِعِي وَ لَا تَدْرُ* لَوْاحَةٌ لِلْبَشَرِ* عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ* وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَرَدَّ الَّذِينَ آمَنُوا إِيْمَانًا وَ لَا يُزَاتَبَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ لِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ مَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَ مَا هِيَ إِلَّا ذِكْرَى لِلْبَشَرِ) (مدثر: ۲۶-۳۱) آتش دوزخ است که حرارت آن پوست، گوشت و استخوان انسان را می سوزاند و از آن چیزی باقی نمی گذارد (قرطبی، ۱۳۶۴ق، ج ۱۹: ۷۷). چه این واژه در لغت به معنی سوزاندن یا داغ کردن با آتش است و «سَقَرَتُهُ الشَّمْسُ: أفتاب او را داغ کرد» (ابن فارس، ۱۴۲۹ق: ج ۳، ۸۶) معنا می شود. واژه «سقر» به عنوان یک اسم غیر منصرف و مونث، ۴ بار در قرآن به کار رفته است (سوره قمر: ۴۸، سوره مدثر: ۲۶، ۲۷، ۴۲) که در همه موارد بر آتش دوزخ دلالت دارد.

در سوره مدثر ۶ مورد ارجاع به «سقر» وجود دارد که طبق نظر مفسران، برای بیان عظمت و شدت آن بیان شده است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰: ۷۱۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۵۸۶). مرجع ضمائر در کلمات «لاتبقي-لاتذر-هي» [لواحة للبشر-هي] [نذیرا للبشر] (آیات ۲۸-۲۹) به صورت مستتر و محذوف و در کلمات «عليها» و «إنها» به صورت ضمیر بارز به «سقر» برمی گردد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۵۹۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰: ۶۹۶).

شایان ذکر اینکه کلمه «المجرمین» در آیه (عَنِ الْمَجْرِمِينَ) (مدثر: ۱۴) نیز بیشترین بسامد را در ارجاع ضمیر دارد و ضمائر بارز «كُم»، «و»، «نا»، «هم» و ضمائر مستتر «نحن» در آیات (مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ* قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ* وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ* وَ كُنَّا نَحْوُ مَعَ الْخَائِضِينَ* وَ كُنَّا نُكَدِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ* حَتَّىٰ أَنَا الْيَقِينِ* فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ* فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ* كَانَتْهُمْ حُمْرٌ مُّسْتَنْفِرَةٌ* بَلْ يَرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُؤْتَىٰ صُحُفًا مُّنشَرَةً* كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ) (مدثر: ۴۲-۵۰ و ۵۲-۵۳) همگی به آن برمی گردند.

جدول ۲: انسجام دستوری (ارجاع ضمیر)

مرجع-آیه	ضم	نوع ضمیر	تعداد ارجاع-آیه
المدثر- ۱	أنت ك	ضمیر مستتر «أنت» در «قم- آنذر- کبر- طهر- فاهجر- لاتمنن- تستکثر- فاصبر» ضمیر بارز در «ربک- ثیابک- لربک»	۸ بار؛ (۷-۶-۵-۴-۳-۲) ۳ بار؛ (۷-۴-۳)
البشر- ۲۵	ه	ضمیر بارز در (سأضلیه)	۱ بار؛ (۲۶)
سقر- ۲۶	هي هي ها هي	ضمیر مستتر در (لاتبقي- لاتذر) ضمیر محذوف مقدر در (لواحة للبشر)- (نذیرا للبشر) ضمیر بارز در (عليها)- (إنها) ضمیر بارز در (وما هي إلا ذکری للبشر)	۲ بار؛ (۲۹-۲۸) ۲ بار؛ (۲۹) ۲ بار؛ (۳۰- ۳۵) ۱ بار؛ (۳۱)

الملائکه-۳۱	هم	ضمیر بارز در (عدتْهم)	۱ بار- (۳۱)
اللّه	هو هو	ضمیر مستتر در (یضَل - یشاء - یعلم) ضمیر بارز	۵ بار؛ (۳۱) ۱ بار؛ (۳۱-۵۶)
رب-۳۱	هو	ضمیر بارز	۱ بار- (۳۱)
اللیل-۳۳	هو	ضمیر مستتر در ادبِر	۱ بار- (۳۳)
الصبح-۳۴	هو	ضمیر مستتر در اُسفر	۱ بار- (۳۴)
نفس-۳۸	هی	ضمیر مستتر در کسبت	۱ بار- (۳۸)
أصحاب الیمین-۳۹	واو	ضمیر بارز در (یتساوولون)	۱ بار- (۴۰)
المجرمین-۴۱	کم واو هم نح ن نا	ضمیر بارز در (سلککم) ضمیر بارز در (قالوا) - (یخافون) - (یذکرون) ضمیر بارز در (تنفعهم) - (لهم) - (کأنهم) - (منهم) ضمیر مستتر در (نکّ) - (نخوض) - (نکذّب) ضمیر بارز در (کنا) - (أتانا)	۱ بار؛ (۴۲) ۳ بار؛ (۴۳-۵۳-۵۶) ۵ بار؛ (۴۸-۴۹-۵۰-۵۲) ۴ بار؛ (۴۳-۴۴-۴۵-۴۶) ۳ بار؛ (۴۵-۴۶-۴۷)
حمر-۵۰	هی	ضمیر مستتر در فعل (فرت)	۱ بار؛ (۵۱)
اللّه-۵۶	هو	ضمیر بارز در (هو أهل المغفرة)	۱ بار؛ (۵۶)
الذین-۳۱	هم	ضمیر بارز در (قلوبهم)	۱ بار؛ (۳۱)

جدول ۳: انسجام دستوری (ارجاع اسم اشاره)

اسم اشاره- آیه	مشارلیه	تعداد و نوع ارجاع- آیه
ذلک-۹	فَإِذَا نُفِرَ فِي النَّاقُورِ	۱ بار- ارجاع سابق؛ (۸)
کذلک-۳۱	وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا...	۱ بار- ارجاع سابق؛ (۳۱)
هذا-۳۱	عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشْرَ	۱ بار- ارجاع سابق؛ (۳۰)

جدول ۴: انسجام دستوری (ارجاع اسم موصول)

اسم موصول- آیه	مرجع اسم موصول	تعداد ارجاع- آیه
من-۱۱	ضمیر بارز «ه» در (له) - (إنه) (سأرهقه) - (سأصلیه) ضمیر مستتر «هو» در (یطمع - فکّر - فقتل - قتل - قدر - نظر- عبس - بسر- ادبِر - استکبر- فقال - سأصلیه)	۶ بار؛ (۱۲-۱۴-۱۶-۱۷-۱۸-۲۶) ۱۴ بار؛ (۱۵-۱۸-۱۹-۱۹-۲۰-۲۶) ۲۴-۲۳-۲۲-۲۲-۲۱-۲۰)

با توجه به جداول فوق، می‌توان نقش ارجاعات ضمایر و نیز اسم موصول (من) را در در ایجاد همبستگی و انسجام معنایی و توالی متنی سوره مدثر معنادار توصیف کرد.

در این سوره حدود ۲۰ مورد به کلمه موصولی «من» ارجاع داده شده است. مفسران معتقدند ضمیر موصول «من» به سبب نزول آیات ۱۱-۲۶ و به ولید بن مغیره مرتبط است که پیامبر (ص) را ساحر نامید؛ زیرا معتقد بود آن حضرت با دعوت مردم به یکتاپرستی بین فرزند، پدر، مادر و خویشاوندان جدایی ایجاد می‌کند؛ به دنبال این واقعه سوره مدثر

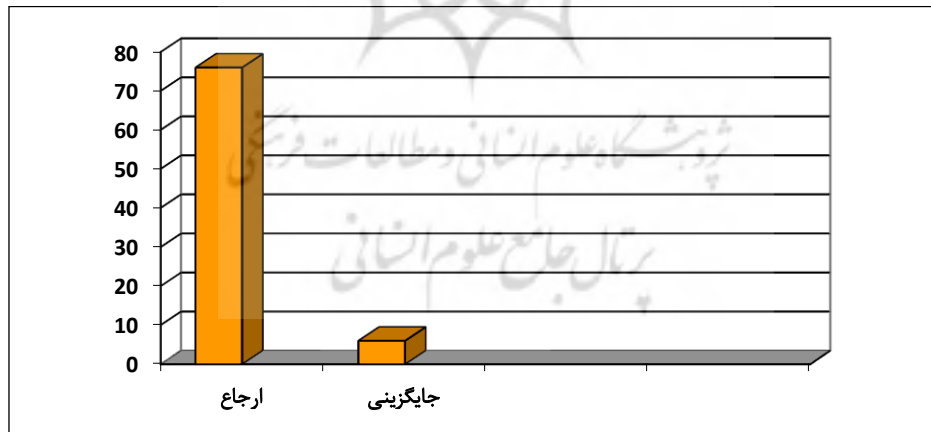
نازل شد (ابن عاشور، ۱۹۹۷م، ج ۲۹: ۲۸۱).

در سوره مدثر مجموعاً ۷۶ مورد ارجاع وجود دارد که از آن میان، ۵۰ مورد به ارجاع ضمیر، و ۲۶ مورد به ارجاع اسم موصول تخصیص یافته است. همچنین در ارجاع ضمیر، بیشترین ارجاع به ترتیب برای کلمات «المجرمین» (۱۶ بار)، «المدثر» (۱۱ بار)، «الله» (۸ بار) و «سقر» (۷ بار) آمده که بیانگر کلیدی بودن این کلمات در فهم سوره است.

جایگزینی

هرگاه واژه‌ای به جای واژه، عبارت یا جمله‌ای قرار گیرد جایگزینی رخ داده است (نظری، ۱۳۸۹: ۸۹). جایگزینی با چند عامل دیگر انسجام مانند ارجاع، تکرار و حذف در ارتباط تنگاتنگ است ولی تفاوت ظریفی بین آن‌ها وجود دارد که باید دقت شود. هالیدی و حسن معتقدند جایگزینی در حقیقت رابطه‌ای نحوی بین کلمات است تا رابطه‌ای بین معانی (محمد، ۲۰۰۹م: ۱۱۴)، از این رو انواع آن بر اساس نقش نحوی عنصر جایگزینی به سه دسته جایگزینی اسمی و فعلی و جمله‌ای قابل تقسیم است.

در سوره مدثر دو نوع از انواع سه‌گانه جایگزینی وجود دارد. در جایگزینی اسمی کلمه «النار» در تعبیر «أصحاب النار» جایگزین کلمه «سقر» شده است. اسم موصول «مَنْ» نیز در آیه ۱۱، به جای «الکافرین» در آیه ۱۰ آمده است. همین واژه در آیه ۳۷ به جای کلمه «بشر» در آیه ۳۶ استعمال گردید و بالاخره در جمله «يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ» نیز به جای کلمات «الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ»، «الَّذِينَ آمَنُوا»، «الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» و «الْكَافِرُونَ» به کار گرفته شد. واژه «بشر» نیز در پایانی آیه ۳۱ «وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ» در جای «الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ»، «الَّذِينَ آمَنُوا»، «الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» و «الْكَافِرُونَ» آمده است. در جایگزینی جمله‌ای نیز تعبیر «كَذَلِكَ» در آیه ۳۱ به جای جمله «وَمَا جَعَلْنَا عَدَتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا» قرار گرفته است.



نمودار ۲: بسامد انسجام دستوری

ریچارد بل تکرار الفاظ و عبارات قرآن را عاملی در ایجاد گسست نحوی و مفهومی سوره‌های قرآن برشمرده است (بل، ۱۳۸۳: ۱۴۵). حال آنکه تکرار، نقش برجسته‌ای در انسجام متن، ایجاد ارتباط میان جملات و ارتباط تنگاتنگ میان بخش‌های جزیبی آن به عهده دارد. ضمن اینکه واژگان را در جهت القاء مقصود مورد نظر برجسته می‌سازد. تکرار در بسیاری موارد جنبه‌های کاربردشناختی و بلاغی دارد که برخی در بلاغت عربی به مواردی از آن مانند تقریر و تثبیت معنا، بیان تعجب، ترس از فراموش شدن واژه و انکار اشاره کرده‌اند (عبدالمجید، ۱۹۹۸م: ۹۲؛ ابوغزاله و

علی، ۱۹۹۹م: ۸۲).

در سوره مدثر برخی از کلمات به صورت کلی و برخی به صورت جزئی تکرار شده‌اند. حدود ۲۵ مورد واژگان تکراری در سوره مدثر به صورت اسمی و فعلی به کار رفته‌اند. این واژگان گاه کنار یکدیگر در یک آیه و گاه در آیات متعدد عیناً تکرار شده‌اند که تاثیر فراوانی بر انسجام سوره دارند.

برخی از مفسران نیز معتقدند تکرار در سوره‌های ابتدای دعوت با انذار کاربرد بیشتری دارد؛ در سوره مدثر نیز بدین سبب که از هفت سوره ابتدای دعوت است، به مفهوم انداز و لوازم آن بیش از سایر مفاهیم اشاره شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۷۹). از باب تمثیل کلمه «سقر» در این سوره ۳ بار تکرار شده است که مفسران آن را باب (در) پنجم جهنم می‌دانند و تکرار آن بیانگر شدت عذاب و عظمت آن است (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۴: ۴۹۶). یا کلمه «تذکره» دو بار در آیات ۴۹ و ۵۴ تکرار شده که برخی از مفسران معتقدند هر دو مورد بر «قرآن» دلالت دارد (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۴: ۴۹۹-۵۰۱). برخی نیز مصداق هر دو را «ذکر» یا «قرآن» می‌دانند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰: ۷۱۶-۷۱۷).

جدول ۵: انسجام واژگانی (تکرار کلی)

واژه	تعداد	آیه	واژه	تعداد	آیه
ربک	۳ بار	۳۱/۷/۳	اصحاب	۲ بار	۳۱/۳۹
یوم	۲ بار	۴۶/۹	الله	۲ بار	۵۶/۳۱
قدر	۲ بار	۲۰/۱۹	اهل	۲ بار	۵۶
بشر	۳ بار	۳۶/۲۹/۲۵	هذا	۲ بار	۵۴/۲۴
سقر	۳ بار	۴۲/۲۷/۲۶	تذکره	۲ بار	۵۴/۴۹
بشاء	۲ بار	۳۲			

در سوره مدثر نمونه‌هایی از تکرار جزئی نیز وجود دارد که در آن واژگانی از یک ریشه با دو صیغه متفاوت استعمال شده است.

جدول ۶: انسجام واژگانی (تکرار جزئی)

واژه	تعداد	آیه	واژه	تعداد	آیه
مهدت-تمهیدا	۲	۱۴	نخوص-الخانصین	۲	۴۵
جعلت-جعلنا	۳	۳۱/۱۲	أنذر-نذیر	۲	۳۶/۲
شفاعه-الشافعین	۲	۴۸	أتانا-یوتی-أوتوا	۴	۵۲/۴۷/۳۱
ذکر-تذکره-یذکرون-ذکری	۵	۵۶/۵۵/۵۴/۴۹/۳۱	فقال-قول-لیقول-قالوا	۴	۴۳/۳۱/۲۵/۲۴
نقر-الناقور	۲	۸	فکبر-الکبر	۲	۳۵/۳
آمنوا-ایمانا-المومنون	۳	۳۱	کفروا-الکافرون	۳	۳۱/۱۰

همانطور که از جدول فوق برمی‌آید تعداد ۴۱ مورد از واژگان تکراری در این به دو صورت اسمی و فعلی بیان

شده اند؛ گاه از یک ریشه فعل با وزن های متعدد و گاه به صورت اسم مشتق از همان ریشه آمده اند. از نظر جای گیری در سوره نیز همچون تکرار کلی گاه در یک آیه و گاه در آیات پراکنده قرار گرفته اند. تکرار جزیی از این نظر که واژگان هم ریشه در آن تکرار می شود به خواننده متن کمک می کند تا راحت تر با متن ارتباط برقرار کند، همچنین ذهن مخاطب به علت تفاوت ساختاری کلمه نیازمند تلاش مضاعفی است که این امر به نوبه خود نقش بسزایی در انسجام متن سوره و ارتباط بین آیات آن دارد. لذا مدعی ریچارد بل که تکرار را عاملی برای گسست نحوی در سوره های قرآن دانسته است، مخدوش می گردد.

بی گمان بسامد بالای تکرار، فهم آیات را برای خواننده آسان می سازد زیرا خواننده در بسیاری از آیات این سوره با واژه هایی برخورد می کند که در آیات قبل با آن ها مواجه شده است لذا به مجرد رویت دوباره آن ها، آیات قبلی برایش تداعی می شود (مهتدی، ۱۴۰۰: ۱۳۴).

همچنین در سوره مدثر چهار نوع تضاد از نوع اسم و فعل یافت شد که عبارتند از: «یضَلُّ و یهدی»، «أدبر و أسفر» و «یتقدم و یتأخر». این جفت های متقابل را از جهت اینکه اثبات یکی، نفی دیگری را می رساند، می توان تضاد از نوع حاد نامید (مختار عمر، ۱۹۹۸ م: ۱۰۲). از ویژگی کاربرد تضاد این است که خواننده را مشتاق به شنیدن ادامه مطلب می کند به طوری که با شنیدن یک مطلب منتظر شنیدن متضاد دیگر است که اگر واژه متضاد ذکر نشود گویی مطلب ناقص است و این چنین اجزای متن به هم تنیده می شوند و به یک متن منسجم را به وجود می آورند (مهتدی، ۱۴۰۰، ۱۳۸).

جدول ۷: انسجام واژگانی (تضاد)

شماره آیات	کلمات متضاد
۳۱	یضَلُّ و یهدی
۳۴/۳۳	أدبر و أسفر
۳۶	یتقدم و یتأخر
۴۲/۴۰	جنات و سقر
۳۴/۳۳	اللیل-الصبح

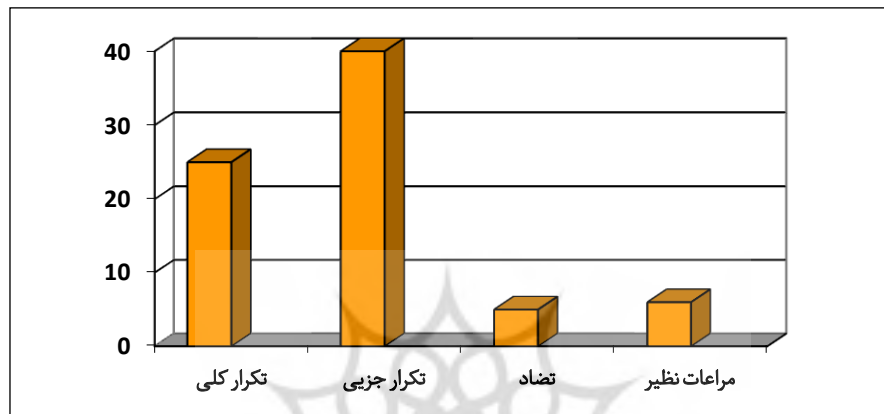
انسجام واژگانی در سوره مدثر را می توان در قالب مراعات نظیر یا هم آیی متداعی ارزیابی کرد. در فن بدیع، مراعات نظیر از مهم ترین فنونی است که با تکنیک زبانی هم آیی ارتباط دارد اما تفاوتی که می شود برای این دو ذکر کرد، این است که مراعات نظیر اصولاً به یک جا آمدن واژگانی گفته می شود که به نوعی تداعی کننده هم هستند و غیر از تضاد را شامل می شود. همچنین محدوده مراعات نظیر به یک یا دو جمله و یا بیت منحصر می شود در حالی که هم آیی به پراکندگی واژگان مرتبط با هم در فضای کلی متن اطلاق می شود، و اینکه هم آیی یک عنصر انسجامی تلقی می شود و این در صورتی است که مراعات نظیر را به سختی می توان دارای چنین قدرتی دانست (نظری، ۱۳۹۰: ۹۴). البته با همه این تذکرات شاید هم بتوان برخی از انواع هم آیی را تا حدودی همانند مراعات نظیر دانست.

مشکلی که در خصوص هم آیی وجود دارد این است که انتساب يك یا چند کلمه که به نظر می رسد بین آن ها رابطه خاصی وجود دارد همیشه امر آسانی نیست (عدوانی، ۲۰۰۸ م: ۷۳)، به همین دلیل غالباً این نوع انسجام واژگانی از سخت ترین نوع در تحلیل متن محسوب می شود زیرا افزون بر فهم این کلمات در یک بافت مشترک، به شناخت پیشین

خواننده از کلمات در بافت‌های متشابه متکی است (محمد، ۲۰۰۹م: ۱۰۹). از نمونه‌های مراعات نظیر در سوره مدثر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

جدول ۸: انسجام واژگانی (مراعات نظیر)

واژه	آیه	واژه	آیه
مالا- بنین	۱۳	لاتبقي-لا تذر	۲۸
عيس- بسر	۲۲	الليل- الصبح	۳۴/۳۳
أدبر- استکبر	۲۳	يتقدم- يتأخر	۳۷



نمودار ۳: بسامد انسجام واژگانی

۳.۴. ادعای نقض اختیار بشر

یکی دیگر از اشکالات ریچارد بل آن است که وی هر نوع تغییر در احکام یک سوره را به منزله تداخل و افزودگی در متن و مخل انسجام و فهم معنای آن می‌داند؛ به عنوان مثال بل معتقد است آیه (وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَ أَهْلُ الْمَعْرِفَةِ) (مدثر: ۵۶) محدوده اختیار بشر را در آیه (فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ) (مدثر: ۵۵) نقض کرده است (بل، ۱۳۸۳: ۱۴۸).

در پاسخ به مدعای بل می‌توان چنین استدلال کرد که طبق آیه (فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ) (مدثر: ۵۵) خداوند انسان را آزاد گذاشته است که مسیر زندگی خویش را انتخاب کند ولی طبق آیه (وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَ أَهْلُ الْمَعْرِفَةِ) (مدثر: ۵۶) ایمان به قرآن و پندگرفتن از آن فقط از طریق مشیت خداوند انجام می‌گیرد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۹: ۱۰۸). به عبارت دیگر انسان در انتخاب مسیر زندگی آزاد است ولی راه راست را فقط با مشیت الهی انتخاب می‌کند؛ عبارت (هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَ أَهْلُ الْمَعْرِفَةِ) نیز موید این مطلب است که خداوند اهل تقوی است یعنی انسان‌ها را از عقوبت اعمالشان می‌ترساند تا اعمال شایسته انجام دهند و او تنها کسی است که می‌تواند اعمال زشت آدمی را بیامرزد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۹: ۱۰۸).

از نظر علامه طباطبایی آیه ۵۶ توهم ناشی از آیه ۵۵ را برطرف می‌کند. به این صورت که ممکن است فردی با خواندن آیه ۵۵ فکر کند انسان در اراده خود مستقل است و اگر نخواهد تذکر یابد، خدا را در اراده اش عاجز می‌کند

ولی طبق آیه ۵۶ حکم قدر در افعال انسان‌ها مانند سایر امور جاری است و تذکر آن‌ها هرچند فعل اختیاری و صادر از ایشان است، توسط اراده خداوند صورت می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۱۵۹). بنابراین اشکال بل در این مورد نیز پذیرفته نمی‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

ادعای ریچارد بل مبنی بر ناپیوستگی سوره مدثر با تأکید وی بر دو آیه ۳۱ و ۵۶ این سوره از اهم مسائلی است که بازبینی در اندیشه پیوستگی و انسجام این سوره را اقتضا می‌کند. باری بررسی و تحلیل متنیت در سوره مدثر نشان داد که:

- قرآن کریم مانند دیگر متون، از تعداد زیادی ویژگی زبانی و ویژگی متنی برخوردار است که طول جملات و قافیه آیات دو مورد از ویژگی‌های متنی آن به‌شمار می‌آید. گفتمان قرآنی گاه با تغییر در طول آیات نشان‌دار شده است بدین نحو که گاهی خواننده در یک سوره با آیات دو یا سه یا چهارکلمه‌ای برخورد می‌کند و به‌ناگاه در همان سوره، جملات بلند و طولانی را درمی‌یابد. اما توالی متنی به ریتم و طول آیات یا محل نزول آن‌ها ربطی پیدا نمی‌کند. همچنان که در متون نظم و نثر بشری نیز گاه خالق متن از جملات کوتاه عدول می‌کند و به جملاتی طولانی و بلند روی می‌آورد بی‌آنکه به گسست و ناپیوستگی متن او حکم شود.

- با استفاده از ویژگی زبانی بینامتنیت به‌عنوان یکی از ویژگی‌های هفتگانه متن‌بودگی یک متن، مشخص شد که آیه ۳۱ سوره مدثر به‌جهت اشتغال بر واژگان «أصحاب النار»، «عدّة» و «جنود» با آیات ماقبل خود ارتباط معنایی دارد؛ چه مراد از «نار» همان «سقر» در آیات پیشین است که در آیه موردبحث به‌جای «أصحاب سقر»، «أصحاب النار» استعمال شده که بین این دو رابطه شمول معنایی برقرار است. از سوی دیگر واژه «عدّة» بر عدد «تسعة عشر» در آیه ۳۰ دلالت دارد. همچنان که مراد از کلمه «جنود» همان «تسعة عشر» است. بنابراین با وجود چنین واژگانی آیه ۳۱ در بینامتنی آیه‌ای با آیات ماقبل خود قرار دارد.

- توجه به ویژگی زبانی نیت / هدفمندی نشان داد که طول آیه ۳۱ کاملاً هدفمند و در راستای نیت مآتن است؛ بدین نحو که ابهام موجود در آیه ۳۰، سبب شگفتی و ایجاد سوالاتی جنجال‌برانگیز برای خواننده می‌شود لذا برای دفع این ابهام وجود جمله‌ای بلند ضرورت می‌یابد تا مراد از معدود محذوف مبهم و علت اشاره به آن فهمیده شود.

- استخراج عوامل انسجامی در سطوح مختلف پیوندی، دستوری و واژگانی در سوره مدثر به‌عنوان یکی دیگر از عوامل متن‌بودگی نشان داد که بین آیات این سوره پیوستگی و انسجام محکمی برقرار است و این عوامل به شکلی نظام‌مند و سامان‌مند در راستای اصلی‌ترین محتوای این سوره یعنی مسأله انذار استعمال شده‌اند.

- طبق آیه ۵۵ سوره مدثر گرچه اختیار و آزادی عمل تأیید شده است لکن آیه ۵۶ با استفاده از اسلوب حصر بر این نکته دارد که هریک از تصمیمات آدمی در دایره مشیئت الهی قرار دارد، چه مشیئت الهی یعنی علم به همه احتمالات محتمل درباره هر چیزی لذا آدمی درباره هر امری هر احتمالی که بدهد، آن احتمال از دایره مشیئت خداوند بیرون نیست.

*پی‌نوشت

۱. خطیب تبریزی تضمین را به دو نوع تقسیم کرده است یکی به‌عنوان عیب قافیه و دیگری آن است که بیت اول از

لحاظ معنایی قائم بنفسه است اما جملاتش غیرمفسره‌اند و در بیت دوم تفسیر آن جمله‌ها ارائه می‌شود. تبریزی این مورد از تضمین را عیب نمی‌داند. به‌دیگر سخن ایات موقوف‌المعانی همیشه عیب نیستند و بحث نحو در تشخیص آن تعیین‌کننده است (خطیب تبریزی، ۱۹۸۶م: ۲۲۳-۲۲۴).

۶. منابع

- قرآن کریم

۱. آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان انتقادی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۹۲). فرهنگ توصیفی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی. تهران: علمی.
۳. ابن عاشور، محمدبن طاهر (۱۹۸۴م). التحریر والتنوير، تونس، الدار التونسية للنشر.
۴. ابن فارس، احمد (۱۴۲۹ق). مقاییس اللغة، تحقیق هارون عبدالسلام محمد، قم: مکتب الاعلام الإسلامي.
۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم، تحقیق محمدحسین شمس‌الدین، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۶. ابوغزالی، إلهام وعلي خلیل حمد (۱۹۹۹م). مدخل إلى علم النص تطبيقات لنظرية روبرت ديبوجراند وولفجانج دريسلر، القاهرة، الهيئة المصرية العامة للكتاب.
۷. الهی‌زاده، محمدحسین (۱۳۹۵). درسنامه تدبر در قرآن؛ از سورهٔ مرسلات تا سورهٔ مجادله، مشهد: مؤسسه فرهنگی تدبر در قرآن.
۸. بل، ریچارد (۱۳۸۲). درآمدی بر تاریخ قرآن، بازنگری و بازنگاری: و. مونتگمری وات. ترجمهٔ بهاء‌الدین خرمشاهی، قم: سازمان اوقات و امور خیریه.
۹. بلاشر، رژی (۱۳۸۷). در آستانهٔ قرآن، ترجمهٔ محمود رامیار، تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
۱۰. توکلی محمدی، نرجس؛ مکوند، محمود (۱۳۹۸). بررسی و تحلیل تاریخی اندیشهٔ پیوستگی متن قرآن، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهرا، ش ۴۳، ۱-۲۸.
۱۱. حجت‌الاسلام، میرزا محمدتقی (۱۳۸۶)، دیوان نیر، تصحیح مؤسسه فرهنگی- مطالعاتی شمس‌الشموس، تهران: شمس‌الشموس
۱۲. خطیب‌تبریزی، ابوزکریا یحیی بن علی (۱۹۸۶م). الوافی فی العروض والقوافی، تحقیق فخرالدین قباوة، دمشق: دارالفکر
۱۳. درویش، محی‌الدین (۱۴۱۵ق). إعراب القرآن الکریم وبیانه، سوریه: الإرشاد.
۱۴. سمرقندی، نصر بن محمد (۱۴۱۶ق). بحر العلوم، بیروت: دارالفکر.
۱۵. سیدقطب، ابراهیم شاذلی (۱۴۲۵ق). فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشروق.
۱۶. شعله، مهسا (۱۳۹۰). «معیارهای متن‌بودگی شهر و روش‌شناسی تحلیل آن». نشریهٔ هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، دورهٔ سوم، ش ۴، صص ۱۹-۳۲.
۱۷. صفوی، کورش (۱۳۸۲). معناشناسی کاربردی. تهران: همشهری.

۱۸. صنعانی، عبدالرزاق بن همام (۱۴۱۱ق). تفسیر عبدالرزاق، بیروت: دارالمعرفة.
۱۹. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۰. طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م). تفسیر الکبیر (تفسیر القرآن العظیم)، الأردن: دارالکتاب الثقافی.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح فضل الله یزدی و هاشم رسولی، تهران: ناصر خسرو.
۲۲. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۳ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفة.
۲۳. عبدالمجید، جمیل (۱۹۹۸م). البدیع بین البلاغه واللسانیات النصیة، القاهرة، هیئة المصریة العامة للکتاب.
۲۴. عزتی لارسری، ابراهیم و عاشقی، بهنام (۱۳۹۷). بررسی نمونه‌هایی از خبرهای ورزشی شبکه ورزش بر اساس نظریه دولی و لوینسون (۲۰۰۱م). فصلنامه رسانه، سال سی ام، ش ۲، ۱۰۷-۱۲۵.
۲۵. علوان، عبدالله بن ناصح (۱۴۲۷ق). إعراب القرآن، تحقیق بنا ابراهیم و عبدمحمد محمد، مصر: دارالصحابه للتراث.
۲۶. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲۷. فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۴). شاهنامه فردوسی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: قطره.
۲۸. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۲۹. قنبرپور، معصومه؛ راد، علی؛ کاوند، علی رضا (۱۴۰۰). نقد شواهد و مستندات ریچارد بل درباره تحریف قرآن با تاکید بر تفاسیر فریقین، قرآن پژوهی خاورشناسان، دوره شانزدهم، ش ۳۱، ۲۴۴-۲۷۴.
۳۰. کرباسی، محمدجعفر (۱۴۲۲ق). إعراب القرآن، لبنان: دار و مکتبه الهلال.
۳۱. لاینز، جان (۱۳۹۱). درآمدی بر معناشناسی زبان. ترجمه کورش صفوی، تهران: علمی.
۳۲. لطفی پور ساعدی، کاظم (۱۳۸۵). درآمدی به اصول و روش ترجمه، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۳۳. مختار عمر، احمد (۱۹۹۸م). علم الدلالة، القاهرة: عالم الکتاب.
۳۴. معین الدینی، فاطمه (۱۳۸۲). شگردهای ایجاد انسجام متن در کلیله و دمنه، فرهنگ، ش ۴۶-۴۷، ۳۰۳-۳۲۶.
۳۵. مقاتل بن سلیمان، ابوالحسن بن بشیر ازدی (۱۴۲۳ق). تفسیر مقاتل بن سلیمان، تحقیق عبدالله محمود، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۳۶. مهاجر، مهران، محمد نبوی (۱۳۷۶). به سوی زبان شناسی شعر؛ ره یافتی نقش گرا، تهران: نشر مرکز.
۳۷. مهتدی، حسین (۱۴۰۰). بررسی عناصر انسجام متنی در سوره لقمان بر اساس نظریه نقش گرای مایکل هلیدی و رقیه حسن، پژوهش‌های ادبی-قرآنی، سال نهم، ش ۳، ۱۲۷-۱۵۶.
۳۸. نظری، علی رضا (۱۳۸۹). کارکرد عوامل انسجام متنی در خطبه‌های نهج البلاغه، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
۳۹. نظری، علی رضا، خلیل پروینی و کبری روشنفکر و فردوس آفاکل زاده (۱۳۹۰). زبان شناسی متن و الگوی انسجام در آرای نحوی بلاغی و نقدی عربی قدیم، مجله ادب عربی، ش ۳، ۸۳-۱۱۲.
۴۰. هلیدی، مایکل؛ حسن، رقیه (۱۴۰۰). زبان، بافت و متن (جنبه‌هایی از زبان در چشم‌اندازی اجتماعی- نشانه‌شناختی)، ترجمه مجتبی منشی‌زاده و طاهره ایشانی، تهران: علمی.

۴۱. عدوانی، خالدحسن (۲۰۰۸م). دراسات الجملة العربية ولسانيات النص، حلب، جامعة حلب.
۴۲. محمد، عزة شبل (۲۰۰۹م). علم لغة النص، القاهرة، مكتبة الآداب.
۴۳. نصر حامد، ابوزید (۱۳۸۷). معنای متن، ترجمه مرتضی کریمی نیا، تهران: طرح نو.
44. Golzhiher, I. Introduction to Islamic theology and law. Princeton, 1981.
45. Halliday M.A.K. & Hasan, R. Cohesion in English, London: Longman, 1976.
46. Tavakoli Mohamadi, N. & Makvand, M. A historical analysis of the idea of coherence of the Qur'anic text. Journal of Researches of Quran and Hadith Sciences, 43, (2019): 1-28.
47. Sholeh, M. City Textuality Standards and the Methodology of City Text Analysis, 3, (2012): 19-32.
48. Ezati Larsari, E. & Asheghi, b. Review of a number of sport news prepared based of Dowley and Levinson theory (2001). 30, (2019): 107-125.
49. Qanbarpour, M. Rad, A. & Kavand, A.R. Critique of Richard Bell's Evidences and Documents on the Distortion of the Quran with Emphasis on the Interpretations of the Two Major Sects of Islam. Bi-Quarterly Scientific of the Qur'an and Orientalists, 16(31), (2022): 243-274.
50. Moin Al-Dini, F. The methods of creating coherence of the text in Kalila and Demaneh. Farhang magazine, 46-47, (2003): 303-326.
51. Mohtadi H. A Study of Textual Cohesive Elements in Surah Luqman Using Halliday and Hasan's Functional Theory. Literary Quranic Researches, 9, (2022): 127-157.
52. Nazari, A. & Parvini, Kh. & Roshanfekar, K. & Aghagolzadeh, F. Textual linguistics and coherent model in syntactic, prosodic, and critical terms in classic Arabic. Arabic Literature, 3, (2012): 83-112.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی